

مطالعات اسلامی: فقه و اصول، سال چهل و پنجم، شماره پیاپی ۹۵.  
زمستان ۱۳۹۲، ص ۴۳ - ۲۹

## بررسی فقهی و حقوقی حق حبس زوجه در صورت احراز اعسار زوج\*

حکیمه شاهدهی علی آباد  
محقق و پژوهشگر فقه و حقوق اسلامی  
Email: shahedihakimeh@yahoo.com

### چکیده

در وجود حق حبس برای زوجه، در نکاح شکی نیست یعنی زوجه حق دارد در صورتی که مهر معجل باشد تا دریافت تمام مهر از تمکین امتناع نماید، سؤالی که پیش می‌آید این است که محدوده این حق حبس تا کجاست آیا مصداق آن تنها تمکین خاص است یا شامل تمکین عام هم می‌شود؟ اگر زوجی نسبت به پرداخت مهریه، معسر باشد و نتواند مهریه را به صورت یکجا بپردازد و به دستور دادگاه آن را به صورت اقساط بپردازد عده‌ای معتقدند با دریافت اولین قسط، دیگر زوجه حق حبس ندارد در حالی که برخی این نظر را نپذیرفته‌اند و این مسئله در مورد مهریه‌های سنگینی که پرداخت قسطی آن، سال‌ها به طول می‌انجامد مشکل ساز شده است. در این تحقیق دیدگاه فقها و علماء را در این مسائل مورد بررسی قرار می‌دهیم.

**کلیدواژه‌ها:** زوجه، زوج، مهریه، حق حبس، اعسار.

\*. تاریخ وصول: ۱۳۹۰/۱۲/۰۳؛ تاریخ تصویب نهایی: ۱۳۹۱/۱۲/۰۹.

### حق حبس

یکی از اصول مسائل مهر، حق حبس است؛ یعنی زوجه حق دارد تا دریافت تمام مهر، از تمکین امتناع نماید. قدر متیقن این مسئله در جایی است که مهریه بدون مدت باشد و هنوز دخول صورت نگرفته باشد و زوج موسر باشد. تمامی فقها اعم از امامیه و اهل سنت، اصل مسئله را تصدیق کرده‌اند و معتقدند این مسئله از واضحات است، زیرا مهریه هم مانند سایر دیون است و لذا همان‌گونه که داین حق دارد دین خود را مطالبه کند؛ زوجه هم، حق دارد مهریه خود را مطالبه کند. (طوسی، المبسوط، ۳۱۳/۴، ابن قدامه، ۸۰/۸).

### دامنه حق حبس

در حقیقت، حق حبس، ضامنی برای وصول مهریه است. حال سؤال این است که حق امتناع زن چه قلمرو و دامنه‌ای دارد؟ آیا شامل همه وظایف می‌گردد؛ یعنی مراد تمکین عام است؟ یا فقط اختصاص به رابطه جنسی و وظیفه هم‌خوابگی دارد یعنی مراد تمکین خاص است؟

### دامنه حق حبس در فقه

در فقه، مفاد حق حبس عبارت از خودداری از هم‌خوابگی با شوهر است و شامل سایر وظایفی که زن در برابر شوهر دارد، نمی‌شود. به عبارت دیگر حق حبس ناظر به تمکین به معنی خاص آن است. (طوسی، المبسوط، ۳۱۳/۴). اگرچه برخی، کلام خود را به صورت مطلق آورده‌اند ولی باید این اطلاق را بر مقید حمل کنیم؛ زیرا قرآینی در گفتار آن‌ها مبنی بر حمل تمکین به معنای خاص وجود دارد. (طباطبایی، منهاج الصالحین، ۲۹۷/۲).

### دامنه حق حبس در حقوق

ماده ۱۰۸۵ قانون مدنی در رابطه با حق حبس زوجه است بدین مضمون که: «زن می‌تواند تا مهریه به او تسلیم نشده از ایفای وظائفی که در مقابل شوهر دارد امتناع کند». از ظاهر این ماده به ویژه عبارت «وظایفی که در مقابل شوهر دارد» چنین بر می‌آید که قلمرو حق حبس محدود به تمکین خاص نیست و شامل کلیه تکالیفی می‌شود که زوجه در مقابل زوج بر عهده دارد. (شایگان، ۲۶۷) زیرا اولاً: کلمه «وظایف» به صیغه جمع آورده شده،

ثانیاً: ایفای وظایف در این ماده به صورت مطلق آورده شده است. (قربان نیا، ۶۱/۲). از طرفی جدا کردن وظایف زناشویی از یکدیگر در پاره‌ای از امور دشوار است. برای نمونه، چگونه زنی می‌تواند به خانه شوهر برود و با او زندگی کند و رفتاری خوب با شوهرش داشته باشد ولی در عین حال از تمکین امتناع نماید، و لذا دادگاه می‌تواند حداقل در بعضی موارد و با توجه به اوضاع و احوال دعوی، امتناع از رفتن به خانه شوهر را، به عنوان لازمه عرفی حق زن در خودداری از تمکین بپذیرد و آن را نشوز محسوب ننماید. (کاتوزیان، حقوق مدنی خانواده، ۱۵۵/۱).

ولی برخی معتقدند این تفسیر با فقه امامیه؛ که مأخذ قانون مدنی است؛ سازگار نیست. (صفایی و امامی، ۱۷۸/۱) هم‌چنین باید متذکر شد که، نه تنها در فقه، بلکه در حقوق امامیه هم، زن فقط از نزدیکی با شوهر می‌تواند امتناع نماید. از طرفی حق حبس در نکاح، یک قاعده استثنایی است که نباید مفاد آن را به موارد مشکوک گسترش داد. (امامی، ۳۹۵/۴). از سابقه تاریخی ماده ۱۰۸۵ و به ویژه قرینه موجود در ماده ۱۰۸۶ چنین بر می‌آید که قانون‌گذار به تمکین خاص نظر داشته است؛ زیرا، در این ماده آمده: «اگر زن قبل از اخذ مهر به اختیار خود به ایفای وظایفی که در مقابل شوهر دارد قیام نمود دیگر نمی‌تواند از حکم ماده قبل استفاده کند...». حال می‌دانیم انجام اموری مثل حسن معاشرت، سکونت در منزل شوهر و... هیچ‌کدام حق حبس زوجه را ساقط نمی‌کند، و تنها تمکین خاص است که مسقط این حق به شمار می‌رود. (کاتوزیان، دوره مقدماتی حقوق مدنی خانواده، ۱۲۶).

نه تنها وظایفی که زن در برابر شوهر دارد با الزام به دادن مهر، ارتباط حقوقی ندارد، بلکه در نظر عرف ناظر به تمام دوره زناشویی است: بنابراین باید در مسکنی که شوهر تعیین می‌کند سکونت گزیند، در اداره خانواده، معاون و یاور همسر خود باشد و...، بنابراین با یک‌بار انجام دادن این امور نمی‌توان ادعا کرد که او به وظایف زناشویی عمل کرده؛ در حالی که مفهوم عرفی زناشویی با یک‌بار نزدیکی با شوهر محقق می‌شود. (کاتوزیان، حقوق مدنی خانواده، ۱۵۵/۱).

### نتیجه‌گیری

با این توضیحات معلوم می‌شود که بین فقها و علما در زمینه قلمرو حق حبس، اختلاف نظر است، ولی به نظر می‌رسد اگر دامنه آن را به تمکین خاص محدود کنیم، بهتر باشد؛ زیرا

به گفته بسیاری از فقها (شهید ثانی، مسالک الافهام، ۱۹۴/۸؛ زنجانی، ۷۰۲۲/۲۲) مهم‌ترین دلیل حق حبس، اجماع است که این اجماع دارای قدر متیقنی است و آن، وجود حق حبس قبل از تمکین خاص است. از طرفی اگر معتقد باشیم دامنه حق حبس شامل کلیه استمتاع‌ها می‌شود لازم می‌آید در مواردی که زوج، کلیه امکانات زندگی (از قبیل مسکن، خوراک و پوشاک و...) را برای زوجه فراهم کرده، ولی زوجه از آمدن به خانه شوهر امتناع ورزیده، بتواند حق مسکن و سایر هزینه‌های این مدت را از زوج دریافت کند.

### حق حبس و اعسار زوج

تا این‌جا مشخص شد که در اصل مسئله، یعنی وجود حق حبس، هیچ اختلافی نیست ولی اختلاف‌ها مربوط به فروع مسئله است؛ یعنی اینکه آیا بعد از تمکین، زوجه می‌تواند دوباره از حق حبس استفاده کند و یا اگر زوج معسر باشد زوجه حق امتناع از تمکین را برای دریافت مهر دارد؟

آنچه هم اکنون محل بحث ماست؛ قسمت دوم این سؤال است یعنی از یک طرف زوج معسر است و قادر به پرداخت مهریه نیست و از طرف دیگر مهریه حال است و عندالمطالبه. آیا در چنین حالتی زوجه حق حبس دارد یا به علت اعسار زوج، چنین حقی ساقط می‌شود؟ در این مسئله سه قول ارائه شده است:

۱) قول مشهور بین فقها و حقوق‌دانان این است که زوجه حق امتناع از تمکین را دارد فرقی هم نمی‌کند زوج موسر باشد یا معسر. (شهید ثانی، مسالک، ۱۹۵/۸؛ کرکی، ۳۵۳/۱۳؛ خمینی، ۲۹۹/۲، مسئله ۱۱؛ امامی، ۳۹۵/۴؛ طاهری، ۱۷۵/۳).

### ادله قول مشهور

این ادله، همان ادله حق حبس است یعنی اجماع و معاوضی بودن نکاح و روایات؛ زیرا این ادله نسبت به زوج، مطلق است و فرقی هم نمی‌کند زوج موسر باشد یا معسر، در هر حال زوجه می‌تواند تا دریافت تمام مهریه از تمکین امتناع کند.

فرق بین زوج موسر با معسر این است که اگر زوج موسر باشد؛ زوجه می‌تواند ضمن استفاده از حق حبس، مهریه را مطالبه کرده و اگر زوج از پرداخت امتناع نماید او را مجبور به پرداخت کنند و در این حالت مجازات کردن زوج هم جایز است؛ زیرا زوج مانند کسی است

که پرداخت بدهی خود را به تأخیر انداخته است، ولی اگر زوج معسر باشد؛ زوجه تنها حق حبس دارد ولی دیگر نمی‌تواند مهریه را مطالبه کند. منع مطالبه، مقتضی وجوب تسلیم، قبل از قبض عوض نیست؛ زیرا عجز تنها عذر آور است و گناه تأخیر پرداخت مهریه را برمی‌دارد، پس واجب است زوجه منتظر باشد و صبر کند تا زوج توانگر شود. (نجفی، ۴۲/۳۱؛ طاهری، ۱۷۵/۳). برخی هم اعسار را به دو دسته تقسیم کرده‌اند: اگر اعسار مربوط به قبل از ازدواج باشد و زوجه هم نسبت به اعسار آگاه نباشد حق امتناع دارد ولی اگر به اعسار علم داشت و یا اینکه اعسار مربوط به بعد از ازدواج بوده باشد زوجه حق امتناع ندارد. (شهید ثانی، الروضة البهية، ۳۷۰/۵؛ کاشف الغطاء، ۲۱۶).

۲) زوجه مطلقاً حق امتناع ندارد؛ زیرا نکاح، معاوضه حقیقی نیست و هر یک از دو طرف وظیفه‌ای مستقل دارند. وظیفه زوج این است که در زمان توانایی، مهریه زوجه را بدهد و وظیفه زوجه هم تمکین است و این دو وظیفه به هم ارتباطی ندارند و اگر هر یک از زوج و زوجه وظیفه خود را انجام ندهند؛ مرتکب معصیت شده‌اند. البته قائلان به این قول می‌گویند: اگر اجماع بر وجود حق حبس هنگام تمکن زوج نبود، قطعاً زوجه به صورت مطلق، حق حبس نداشت. (عاملی، ۴۱۴/۱-۴۱۳-۴۱۴؛ بحرانی، ۴۷۰/۲۴).

۳) تفصیل بین معسر و موسر، و لذا اگر زوجی موسر باشد زوجه حق امتناع از تمکین را دارد، ولی اگر زوج معسر باشد زوجه حق حبس ندارد؛ زیرا شرع بر فرد معسر، اجازه عدم پرداخت داده است. (ابن ادریس، ۵۹۱/۲).

اداره حقوقی دادگستری در این زمینه اظهار داشته است:

«اعسار شوهر، حق حبس زن (موضوع ماده ۱۰۸۵ ق.م) را از بین نمی‌برد؛ زیرا درست است که در چنین حالتی مطالبه مهر از او امکان ندارد، ولی باید دانست که امکان گرفتن مهر با استفاده از حق حبس، ملازمه ندارد...». (ارباطی، ۴۲، نظریه شماره ۷/۱۰۲۰ - ۸۳/۲/۳۱).

حق حبس در مهریه معجلی که تقسیط شده است

گاه مهریه حال است، اما به دلیل اعسار زوج و به درخواست او از دادگاه یا اجرای ثبت، مهلت عادلانه یا قرار اقساط گذاشته می‌شود. حال سؤال این است آیا باز زوجه حق حبس دارد و بنابراین می‌تواند تا دریافت کلیه اقساط از تمکین امتناع نماید یا اینکه با قسط‌بندی شدن مهریه، دیگر زوجه حق حبس ندارد؟

در این مسئله هم اتفاق نظر وجود ندارد؛ دو نظر ارائه شده: یکی این که تقسیط، دلالتی

بر مؤجل بودن مهریه ندارد و لذا حق حبس، همچنان پابرجاست. (کاتوزیان، حقوق مدنی خانواده، ۱۵۹/۱) که این نظر توسط کمیسیون شورای عالی قضایی و اداره حقوقی دادگستری مورد تأیید قرار گرفته است.

سؤال و پاسخی که از کمیسیون حقوقی شورای عالی قضایی در این زمینه شده بدین شرح است:

«سؤال: در صورتی که مهریه زوجه حال باشد با عدم قدرت زوج از پرداخت مهریه به صورت نقد، و کسر از حقوق به طور اقساط، آیا زوجه تا وصول کلیه مهریه حق امتناع از تمکین دارد، و در صورت امتناع، حق نفقه دارد یا خیر؟

جواب: تا وصول مهریه حق امتناع از تمکین و استحقاق نفقه را با توجه به ماده ۱۰۸۵ قانون مدنی دارد. (مطابق نظریه مشورتی شورای عالی قضایی راجع به دادگاه مدنی خاص، مورخ ۱۳۶۳/۷/۳).

همچنین اداره حقوقی دادگستری طی نظریه‌ای اعلام می‌کند که: «... در موردی که دادگاه یا اجرای ثبت به درخواست شوهر و به دلیل اعسار او، مهلت عادلانه می‌دهد یا قرار اقساط می‌گذارد، نباید مهر را مؤجل پنداشت؛ زیرا اجلی که بدین گونه بر زن تحمیل می‌شود، حاکی از اراده وی بر سقوط حق حبس نیست. بنابراین حق حبس زن محفوظ است...» (ارباطی، ۴۲، نظریه شماره ۷/۱۰۲۰-۸۳/۲/۳۱).

ولی از آنجایی که پرداخت مهریه به صورت قسطی گاه مدت‌ها، طول می‌کشد و لذا اعمال حق حبس با حقوق و نیازهای زوج در تعارض است. بنابراین به منظور رفع پیامدهای منفی آن برخی معتقدند با پرداخت اولین قسط دیگر زوجه حق حبس ندارد و ملزم به تمکین می‌شود. (مکارم شیرازی، کتاب النکاح، ۱۶/۶).

اداره حقوقی دادگستری اعلام می‌کند، در صورتی که زوجه رضایت خود را مبنی بر دریافت مهریه به صورت اقساط اعلام کند، دیگر حق ندارد از تمکین امتناع نماید (ارباطی، ۳۱، نظریه شماره ۷/۸۸۶-۸۲/۲/۴) بنابراین ملزم به تمکین می‌شود حتی اگر هنوز، هیچ مبلغی را دریافت نکرده باشد.

«با تقسیط و پرداخت اولین قسط و حتی قبل از پرداخت، حق حبس زوجه منتفی می‌شود؛ و زن باید از شوهرش تمکین نماید زیرا با فرض تقسیط مهر از طرف دادگاه دیگر نمی‌توان آن را حال محسوب نمود و این تقسیط مانند آن است که طرفین متراضیاً آن را تقسیط کرده

باشند». (نظریه شماره ۷/۱۹۵۵ - ۳۰ / ۸ / ۸۳ اداره حقوقی دادگستری).

در عمل هم بین شعب مختلف دادگاه در استنباط از ماده ۱۰۸۵ قانون مدنی اختلاف پیش آمد؛ بدین صورت که برخی از شعب دادگاه‌ها با استناد به اینکه تمسک به حق حبس و اناطه تمکین به دریافت کل مهریه با وضعیت اعسار خواهان از پرداخت یک جای مهریه، که مدت‌ها طول خواهد کشید، عملاً موجب حرج برای زوج خواهد بود، و از آن رو که حکم منوط کردن تمکین، به وصول مهریه در حالت اعسار خواهان و صدور حکم تقسیط به وسیله دادگاه در قانون مدنی مبهم می‌باشد، بنابراین با استناد به اصل ۱۶۷ قانون اساسی و فتاوی مراجع عظام، حق حبس ساقط می‌گردد. (دادنامه شماره ۱۳۸۶/۸/۱۳/۱۳۷۰ صادره از شعبه ۶ دادگاه تجدید نظر استان اصفهان).

در مقابل برخی شعب با استناد به اینکه، اولاً: قانون‌گذار در ضمن ماده ۱۰۸۵ قانون مدنی صراحتاً نسبت به موضوع، تعیین تکلیف و بیان می‌کند در صورتی که مهریه حال باشد، زوجه می‌تواند تا دریافت آن از تمکین امتناع نماید. بنابراین موضوع از شمول اصل ۱۶۷ قانون اساسی خارج است و نمی‌توان با وجود صراحت قانونی به استناد فتاوی، غیر از حکم قانون‌گذار را مورد حکم قرار داد. ثانیاً: در ماده فوق‌الذکر پرداخت مهریه به طور مطلق عنوان شده و بر کل مهریه اطلاق دارد و پرداخت قسمتی از آن نمی‌تواند نافی حق حبس زوجه گردد. ثالثاً: تصمیم دادگاه، مبنی بر تقسیط مهریه، نمی‌تواند ویژگی حال بودن مهریه که زوجین هنگام انشای عقد بر آن توافق کرده‌اند را به مؤجل تبدیل کند. رابعاً: زمانی که قانون منتشر می‌گردد فرض بر این است که آحاد جامعه نسبت به قانون عالم می‌باشند و با آگاهی از این قوانین اقدام به فعالیت می‌کنند، زوجین هم با آگاهی از حقوق و تکالیف ناشی از عقد ازدواج، نسبت به انعقاد عقد نکاح، اقدام نموده‌اند. بنابراین تصمیم بعدی دادگاه مبنی بر تقسیط مهریه نمی‌تواند حق حبس، که یک حق مکتسب برای زوجه است را ضایع نماید مضافاً اینکه، زوج با علم و اطلاع از چنین حقوقی به تعیین مهریه اقدام کرده است و در نتیجه عدم بضاعت وی و در نتیجه تقسیط مهریه نمی‌تواند حق زوجه را در این خصوص ساقط نماید. (دادنامه شماره ۷۵ - ۱۳۸۶/۹/۴ صادره از شعبه ۱۹ دادگاه تجدید نظر استان اصفهان).

این اختلاف‌ها باعث شد مسئله، طی جلسه‌ای در هیئت عمومی دیوان عالی کشور مورد بررسی قرار گیرد و پس از شور و مشورت، نهایتاً رأی ذیل صادر گردید:

«به موجب ماده ۱۰۸۵ قانون مدنی، زن می‌تواند تا مهر به او تسلیم نشده از ایفای وظایفی

که در مقابل شوهر دارد امتناع کند، مشروط بر این که مهر او حال باشد. ضمناً در صورت احراز عسرت زوج، وی می‌تواند مهر را به نحو اقساط پرداخت کند. با توجه به حکم قانونی ماده مذکور که مطلق مهر مورد نظر بوده و با عنایت به میزان مهر که با توافق طرفین تعیین گردیده، صدور حکم تقسیط که صرفاً ناشی از عسر و حرج زوج در پرداخت یک‌جای مهر بوده مسقط حق حبس زوجه نیست و حق او را مخدوش و حاکمیت اراده وی را متزلزل نمی‌سازد، مگر به رضای مشارالیها، زیرا اولاً حق حبس و حرج، دو مقوله جداگانه است که یکی در دیگری مؤثر نیست. ثانیاً موضوع مهر در ماده مزبور دلالت صریح به دریافت کل مهر داشته و اخذ قسط یا اقساطی از آن، دلیل بر دریافت مهر به معنای آنچه مورد نظر زوجه در هنگام عقد نکاح بوده، نیست». (رای شماره ۷۰۸ - ۱۳۸۷/۵/۲۲ وحدت رویه هیئت عمومی دیوان عالی کشور).

دادستان کل کشور در این جلسه نظریه‌ای را مطرح کردند که با نظر اکثر حضار مخالف بود. که البته ذکر آن، خالی از فایده نیست.

پرداخت دین به دو صورت؛ نقد و اقساط صورت می‌گیرد، تقسیط دین هم یا با توافق طرفین است یا بر اساس قانون اعسار، که در این صورت، مدیون باید مطابق قانون اعسار عمل نماید. از طرفی پرداخت مهریه شرعاً و عرفاً منوط به مطالبه و عندالقدرة و عندالاستطاعة است. ادعای توافق بر حال بودن مهریه در زمان عقد (مهریه سنگین)، صحت ندارد؛ و بر فرض صحت، شامل اثبات اعسار و تقسیط آن نمی‌شود، عرف جامعه بر عدم حال بودن مهریه است. مصالح اجتماعی و تحکیم پیوندهای خانوادگی و پرهیز از طلاق و فساد نیز ایجاد می‌کند که با اثبات اعسار و تقسیط پرداخت مهریه، زوجه به تکالیف و وظایفی که در مقابل زوج دارد عمل نماید. به علاوه حق تمکین از لوازم و شرایط ذاتی عقد نکاح است. گویا قانون اعسار، قانون خاص و از عناوین ثانویه است و حاکم بر قوانین عامه است. فرض هم بر این است که حکم اعسار نیز طبق قانون و توسط محکمه صادر شده است. مشکل مهریه‌های غیر متعارف و سوء استفاده از آن، باید به وسیله شرایط ضمن عقد و راهکارهای دیگر برطرف شود. در این مورد نیز امکان عسر و حرج برای زوجه نیز میسر است. بنابراین مصالح خانوادگی و اجتماعی ایجاد می‌کند که ارتباط زناشویی برقرار باشد. از طرفی استدلال‌های گفته شده چندان موجه به نظر نمی‌رسد زیرا اولاً: ماده ۱۰۸۵ در مورد تقسیط بر اساس حکم محکمه صراحتی ندارد و الا اختلاف شعب نیز معنا نداشت. ثانیاً: این که بگوییم لفظ مهریه بر کل مهریه اطلاق می‌شود

و این که پرداخت قسمتی از مهر، نمی تواند نافی حق حبس زوجه گردد؛ ادعای بدون دلیل است. ثالثاً: این که بگوییم تصمیم دادگاه مبنی بر تقسیط مهریه وصف حال بودن مهریه را که در زمان عقد نکاح، طرفین بر آن توافق دارند، نمی تواند تبدیل به مؤجل نماید؛ صحیح نمی باشد، زیرا وصف حال بودن مهریه و توافق طرفین بر آن شامل صورت اعسار نمی شود و مهریه هایی که در دهه های اخیر در دفترچه های ازدواج ذکر می شود نوعاً امکان پرداخت به صورت حال را ندارند. رابعاً: این که انتشار قانون دلیل بر علم به قانون است و یا حق مکتسب است، تردیدی در حق مکتسب بودن نمی باشد، بلکه فرض تقسیط توسط مرجع ذیصلاح است و حقی نیز ضایع نمی شود. (پور نوری، ۲۲۵-۲۲۴).

### حق حبس در مهریه های سنگین

تا اینجا بیان کردیم که اعسار زوج، تأثیری در اعمال حق حبس ندارد، و لذا زوجه می تواند برای دریافت مهر، حتی اگر زوج قادر به پرداخت آن هم نباشد؛ از تمکین امتناع نماید، ولی اشکالی که، در اینجا قابل طرح است این است که، اگر بخواهیم تا وقت توانایی و قدرت بر پرداخت، مباشرت را به تأخیر بیندازیم خلاف متعارف و شروط ارتکازی بین اشخاص است. از طرفی گاه آن قدر مهریه ها سنگین است که پرداخت قسطی آن هم سالها طول می کشد؛ بنابراین با این وضعیت آیا باز زوجه می تواند از تمکین امتناع ورزد و حق حبس را وسیله ای برای اعمال فشار، بر شوهر قرار دهد؟

برخی معتقدند که سنگین بودن مهریه، خود قرینه ای است بر مؤجل بودن آن، اگرچه به صورت معجل مطرح شود بنابراین زوجه نمی تواند به محض عقد، مهر را مطالبه کند و تا دریافت آن از تمکین امتناع نماید؛ (مکارم شیرازی، احکام بانوان، ۱۶۹) زیرا مهریه یا معجل است یا مؤجل؛ و حق حبس، همان طور که گفتیم، فقط در مهریه معجل وجود دارد. حال سؤال این است: آیا واقعاً مهریه سنگین، جزء مهریه های مدت دار است؟ آیا لازم است قید آن صریحاً در نکاح نامه ذکر شود؟

بیشتر فقها متعرض این مسئله نشده اند، و تنها نظر خود را به صورت مطلق در مورد زوج معسر بیان کرده اند که زوجه می تواند تا دریافت کل مهریه از تمکین امتناع نماید فرقی هم نمی کند این اعسار ناشی از زیادی مهر باشد یا ناشی از وضعیت زوج (جایی که میزان مهریه زیاد نیست ولی زوج به دلیل عدم دارایی قادر به پرداخت آن نیست). شاید دلیل این امر چنین

بوده که در گذشته، اولاً میزان مهریه‌ها متعارف بوده و ثانیاً زوج آنچه را در اختیار داشته مهر قرار می‌داده و در همان ابتدای ازدواج، به زوجه تقدیم می‌کرده نه اینکه مال زیادی را مهریه قرار دهد تا در آینده آن را به دست آورد و سپس بپردازد.

ولی امروزه خانواده‌ها به دلایل زیادی، بدون توجه به پیامدهای منفی آن، مبلغ مهریه را افزایش دادند در حالی که می‌دانند زوج در ابتدای زندگی قادر به پرداخت آن نیست و سال‌های زیادی طول می‌کشد تا زوج بتواند این مبلغ را تهیه کند.

این روند (افزایش مهریه) تا جایی ادامه یافت که خود به یک مشکل اساسی در دعاوی خانوادگی تبدیل شد و از این‌رو بود که علما به ویژه حقوق‌دانان برای رفع این معضل به فکر چاره افتادند؛ زیرا می‌دانیم اگر در عقدی برای پرداخت مهریه مدت ذکر نشود، چنین مهریه‌ای حال تلقی می‌شود و زوجه حق مطالبه آن را دارد، از طرف دیگر زوج به دلیل بالا بودن مبلغ مهریه از پرداخت آن معسر است. در این وضعیت بود که دادگاه‌های خانواده با تعداد زیادی از پرونده‌هایی روبه‌رو شدند که زوجه طی دادخواستی مهریه خود را مطالبه کرده بود.

فقها و حقوق‌دانان برای رفع این معضل، نظریات مختلفی مطرح کردند از جمله این‌که؛ پرداخت مهر مشروط به توانایی مرد شود بنابراین به جای قید عندالمطالبه در نکاح نامه قید عندالاستطاعه ذکر شود.

### مهریه سنگین با قید عندالاستطاعه

هرگاه پرداخت مهر منوط به تحقق شرطی شود که صراحتاً در نکاح نامه قید شده باشد. آیا چنین شرطی در حکم مهر مؤجل است و در نتیجه زن دیگر حق حبس ندارد؟ و یا بالعکس، مثلاً اینکه در نکاح نامه قید شود که پرداخت فلان مبلغ مهریه بر عهده شوهر است که باید عندالقدرة و الاستطاعه بپردازد.

پاره ای از فقها و حقوق‌دانان معتقدند: چنین شرطی اثری در مهر ندارد و حق حبس همچنان پابرجاست. به علاوه تصریح کرده‌اند که: «اشترط تمکن و یسار، مهر را مؤجل نمی‌کند بلکه مهر همچنان، حال است و شرط قدرت، قید عقلی است و تصریح به آن، توضیح و تأکید است پس زوجه می‌تواند از تمکین امتناع کند تا مهر را وصول کند...» (اراکي، توضیح المسائل، ۵۸۴).

از طرفی باید گفت: اولاً شرط یاد شده، به طور مسلم شرط اجل معین نیست. ثانیاً ذکر این

شرط در عقد دلالتی بر اقرار زوجه به اعسار زوج ندارد تا مسقط حق حبس و حق مطالبه مهریه باشد زیرا سقوط حق، مستلزم قصد صریح صاحب حق بر اسقاط آن است. (قربان نیا، ۶۵).

ولی با اندک دقتی معلوم می‌شود چنین سخنی درست نیست زیرا چنین شرطی می‌خواهد این نکته را برساند که بنا بر توافق طرفین، پرداختن مهر نباید موجب تنگ‌دستی شوهر شود. فرق فرض بالا با حالتی که برای مهر مدت تعیین شده، این است که در حالت فوق، دادگاه اول باید احراز کند که شوهر در زمان انعقاد نکاح توانایی پرداختن مهر را نداشته و دو طرف برای دادن مهلت به او، چنین شرط کرده‌اند. در حالی که در مورد مهر مؤجل (دارای مدت)، بی‌تردید و بدون آنکه نیازی به رسیدگی باشد، حق حبس زن از بین می‌رود.

بنابراین در این صورت حق حبس به طور ضمنی برداشته می‌شود ولی اگر احراز نشود که توافق درباره شرط، ناظر به وضع کنونی شوهر و دادن مهلت به او بوده و دو طرف می‌خواسته‌اند درباره وضع احتمالی آینده تصمیم بگیرند دادگاه نمی‌تواند وجود شرط را دلیل اسقاط حبس بداند. (کاتوزیان، دوره مقدماتی حقوق خانواده، ۱۲۹).

### مهریه سنگین با قید عندالمطالبه

تا اینجا مسئله مربوط به موقعی بود که از یک طرف، مبلغ مهریه زیاد بود و از طرف دیگر پرداخت این مهریه سنگین مشروط به استطاعت زوج بود. حال می‌خواهیم از مهریه سنگینی که مشروط به قیدی نشده بحث کنیم. به عبارت دیگر مهریه گاه با قید عندالاستطاعه می‌آید و گاه با قید عندالمطالبه. آیا زوجه می‌تواند تا دریافت تمام مهریه ولو اینکه مبلغ آن هم زیاد باشد و زوج قادر به پرداخت آن نباشد از تمکین امتناع نماید؟ آیا حق حبس همچنان پابرجاست؟ یک نظر این است که «حق حبس بدون هیچ‌گونه تردیدی پابرجاست؛ زیرا نمی‌توان وجود مهریه سنگین را که نوعاً شوهر، استطاعت مالی بر پرداخت یک‌جا و تمام آن را به صورت نقد ندارد به منزله شرط ضمنی بر اسقاط حق حبس همچون شرط مصرح قلمداد نمود و به سقوط حق حبس قائل شد». (قربان نیا، ۶۶).

در مقابل این نظر برخی گفته‌اند: با دقت بیشتر در چنین مواردی، متوجه می‌شویم که در نکاح، به طور متعارف، چنین حقی (حق حبس) وجود ندارد؛ زیرا در بیشتر موارد نکاح، زوجه (به دلیل بالا بودن مبلغ مهریه) می‌داند زوج نسبت به پرداخت تمامی مهر قبل از مباشرت یسار

ندارد و با توجه به این مسئله اقدام به ازدواج نموده (زنجان، ۷۰۴۴/۲۲) و محضردار هم مطابق معمول، مهریه را عندالمطالبه قرار می‌دهد. که چنین قیدی نمی‌تواند جدی باشد؛ زیرا قرائن حالیه و مقامیه بر این مطلب دلالت دارند. از طرفی اگر فردا روز، زوجه مهریه را مطالبه کند، زوج نمی‌تواند پرداخت کند به خصوص در جایی که اصلاً متوجه منظور و معنای عبارت نیستند. در نتیجه قید عندالمطالبه به قید عندالاستطاعه منصرف است. (مکارم شیرازی، کتاب النکاح، ۵۴/۶).

البته این موارد در جایی است که زوجه از روی علم، اقدام به ازدواج کرده، و علم داشته که زوج قادر به پرداخت یک‌باره مهریه به این زودی‌ها نیست. (زنجان، ۷۰۴۴/۲۲). برخی هم در اینجا بین مانع شرعی و مانع عرفی و مانعی که امید داریم زود برطرف شود و غیر آن تفصیل قائل شده‌اند، بنابراین اگر مانع زود برطرف می‌شود حق حبس همچنان پابرجاست ولی اگر امیدی نیست که مانع موجود، زود برطرف شود و زوجه با اطلاع از وضعیت زوج به این ازدواج اقدام کرده، دیگر زوجه حق امتناع از تمکین را ندارد. در واقع زوجه با این اقدام، از حق حبس خود چشم‌پوشی کرده است. (اراک، کتاب النکاح، ۵۳۶-۵۳۵) هرچند در ضمن عقد به طور صریح شرط مهلت نشده باشد. (منتظری، ۳/۳۵۴) ولی اگر زوجه به عدم قدرت زوج بر پرداخت مهریه عالم نباشد و گمان داشته باشد که تمام مهر هرچند مقدار آن زیاد باشد را قبل از مباشرت دریافت می‌کند، حق حبس او محفوظ است. (زنجان، ۷۰۴۴/۲۲).

### نتیجه‌گیری

اگر در آنچه گفته شد دقت کنیم متوجه می‌شویم طرفداران نظریه سقوط حق حبس، یک طرفه قضاوت می‌کنند، زیرا تمام راه حل‌ها و انتقادهایشان متوجه زوجه می‌شود در حالی که این، به دور از انصاف است. اینکه بگوییم زوجه خود اقدام به سقوط حق حبس کرده درست نیست؛ زیرا از طرف دیگر، این زوج بوده که به ازدواج اقدام کرده و ضمن عقد پذیرفته است مبلغ زیادی را به عنوان مهر به صورت عندالمطالبه به زوجه تقدیم کند، یعنی به محض درخواست زوجه، زوج مکلف به ادای آن است و لذا او هم به ضرر خود اقدام کرده است. چگونه ما می‌توانیم زوجه را مقصر بدانیم در حالی که نقش زوج و زوجه در تعیین مهریه برابر است، و چنانچه گفته شود این بزرگ‌ترها هستند که مهریه را تعیین می‌کنند می‌گوییم: اولاً خانواده دختر مبلغ مهریه را پیشنهاد می‌دهند؛ که در مقابل خانواده پسر می‌توانند قبول کنند یا

نکنند. ثانیاً خود دختر هم ممکن است در بسیاری از موارد با مبلغ گفته شد موافق نباشد ولی در عین حال مخالفت خود را ابراز نکند. آیا نباید بر زوج‌هایی که هنگام ازدواج مال چندانی ندارند ولی تعهد به پرداخت مهریه کلانی را قبول می‌کنند با این تفکر که مهریه را کی داد و کی گرفت؛ خرده بگیریم. زوج باید بداند مهریه هم مانند هر دین دیگری است که او ملزم به ادای آن است و عدم مطالبه مهریه توسط عده زیادی از زنان در ابتدای ازدواج یا در تمام دوره زندگی، نشان‌دهنده عدم وجود چنین حقی یا اسقاط چنین حقی توسط سایر زنان نیست.

جالب است به داستان زنی که نزد پیامبر می‌آید و از ایشان تقاضا می‌کند شوهری برایش انتخاب کنند، توجه کنیم. زیرا پیامبر وقتی دیدند مرد مالی ندارد تا مهر قرار دهد آنچه را در اختیار داشت (تعلیم قرآن) مهر قرار دادند و احیاناً مالی قرار ندادند تا هر وقت آن را به دست آورد به زوجه بپردازد. (حر عاملی، ۲۰/۲۶۲). درست است که امروزه خانواده دختر به دلایل متعددی حاضر نمی‌شوند مبلغ اندکی را به عنوان مهریه قرار دهند (مکارم شیرازی، کتاب النکاح، ۱/۶/۱۶) ولی این باعث نمی‌شود زوج مجبور شود هر مبلغی که آن‌ها می‌گویند قبول کند. یا حداقل در ضمن عقد شرط کند پرداخت مهریه مؤجل باشد. یا بر اساس توانایی خود بخشی از آن را حال و بخشی را مدت‌دار تعیین کند.

## منابع

- ابن ادریس حلی، محمد بن منصور، *السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی*، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین قم، چاپ دوم، ۱۴۱۰ ق.
- ابن قدامه، عبدالله بن احمد، *المعنی*، بیروت، دار الکتب العربی، بی‌تا.
- اراکی، محمد علی، *توضیح المسائل*، قم، مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۱.
- \_\_\_\_\_، *کتاب النکاح*، قم، نور نگار، چاپ اول، ۱۴۱۹ ق.
- اریاطی، بابک، *مجموعه نظرهای مشورتی - حقوقی اداره حقوقی قوه قضائیه*، تهران، مجد، چاپ سوم، ۱۳۸۶.
- امامی، سید حسن، *حقوق مدنی*، تهران، انتشارات اسلامی، بی‌تا.
- بحرانی، یوسف بن احمد، *الحدائق الناضرة فی احکام العترة الطاهرة*، قم، دفتر انتشارات وابسته به جامعه مدرسین، چاپ اول، ۱۴۰۵ ق.
- پورنوری، *مجموعه کامل آراء وحدت رویه دیوان عالی کشور (حقوقی - کیفری) کاربردی*، بی‌جا، انتشارات خرسندی، چاپ اول، ۱۳۸۸.

- حر عاملی، محمدبن حسن، *تفصیل وسائل الشیعة الى تحصیل مسائل الشریعة*، قم، مؤسسه آل البيت عليهم السلام، چاپ اول ١٤٠٩ ق.
- الخطیب الشریب، محمد، *معنی المحتاج*، بی جا، دار احیاء التراث العربی، ١٣٧٧ ق.
- خمینی، سید روح الله، *تحریر الوسيلة*، قم، مؤسسه مطبوعات دارالعلم، چاپ اول بی تا.
- دسوقی، شمس الدین محمدبن عرفه، *حاشیة الدسوقی*، بی جا، دار احیاء الکتب العربیة، بی تا.
- زنجان، سید موسی، *کتاب نکاح*، قم، مؤسسه پژوهشی رای پرداز، چاپ اول ١٤١٩ ق.
- سبزواری، سید عبد الأعلى، *مهذب الاحکام فی بیان الحلال و الحرام*، قم، مؤسسه المنار، چاپ چهارم، ١٤١٣ ق.
- شایگان، سید علی، *حقوق مدنی*، قزوین، انتشارات طاها، چاپ اول ١٣٧٥.
- شهید ثانی، زین الدین بن علی، *الروضه البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة (لمحشی، کلاتر)*، قم، کتابفروشی داوری، چاپ اول ١٤١٠ ق.
- \_\_\_\_\_، *مسالك الافهام الى تنقیح شرائع الاسلام*، قم، مؤسسه المعارف الإسلامیة، چاپ اول ١٤١٣ ق.
- شیخ طوسی، محمد بن حسن، *المبسوط فی فقه الامامیة*، تهران، المکتبة المرتضویة لإحیاء الآثار الجعفریة، چاپ سوم، ١٣٨٧ ق.
- صفایی، حسین و اسدالله امامی، *حقوق خانواده، نکاح و انحلال آن (فسخ و طلاق)*، تهران، مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، چاپ نهم، ١٣٨٢.
- طاهری، حبیب الله، *حقوق مدنی*، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ دوم، ١٤١٨ ق.
- طباطبایی حکیم، سید محسن، *منهاج الصالحین (المحشی)*، بیروت، دار التعارف للمطبوعات، چاپ اول ١٤١٠ ق.
- عاملی، محمدبن علی، *نهایة المرام فی شرح مختصر شرائع الاسلام*، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ اول ١٤١١ ق.
- فاضل هندی، محمد بن حسن، *کشف اللثام و الإبهام عن قواعد الأحکام*، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین، چاپ اول ١٤١٦ ق.
- قانون اساس جمهوری اسلامی ایران.
- قانون مدنی جمهوری اسلامی ایران.
- قریان نیا، ناصر، *بازپژوهی حقوق زن*، تهران، انتشارات روز نو، چاپ اول ١٣٨٤.
- کاتوزیان، ناصر، *دوره مقدماتی حقوق مدنی خانواده*، تهران، میزان، چاپ سوم، ١٣٨٢.

\_\_\_\_\_، *حقوق مدنی خانواده (نکاح و طلاق)*، تهران، شرکت سهامی انتشار با همکاری بهمن برنا، چاپ ششم، ۱۳۸۲.

کاسانی، ابوبکر بن مسعود، *بدائع الصنائع*، پاکستان، المكتبة الحبيبية، چاپ اول ۱۴۰۹ ق. کاشف الغطاء، حسن بن جعفر، *انوار الفقاہة - کتاب النکاح*، نجف اشرف، مؤسسه کاشف الغطاء، چاپ اول ۱۴۲۲ ق.

کرکی، علی، *جامع المقاصد فی شرح القواعد*، قم، مؤسسه آل البيت عليهم السلام، چاپ دوم، ۱۴۱۴ ق.

مکارم شیرازی، ناصر، *احکام بانوان*، قم، انتشارات مدرسه امام علی بن ابی طالب علیه السلام، چاپ یازدهم، ۱۴۲۸ ق.

\_\_\_\_\_، *استفتائات جدید*، قم، انتشارات مدرسه امام علی بن ابی طالب علیه السلام، چاپ دوم، ۱۴۲۷ ق.

\_\_\_\_\_، *کتاب النکاح*، قم، انتشارات مدرسه امام علی بن ابی طالب علیه السلام، چاپ اول ۱۴۲۴ ق.

منتظری، حسینعلی، *رساله استفتائات*، قم، بی نا، چاپ اول بی تا.